

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه بیرجند
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه
تحلیل عناصر اسطوره‌ای اشعار حمید مصدق و قیصر امین پور

استاد راهنما
آقای دکتر سیدمهدی رحیمی

استاد مشاور
آقای دکتر اکبر شامیان

نگارنده
فهیمة فتحی

تابستان ۱۳۹۲

چکیده

وجود اساطیر در شعر شاعران ایرانی، با توجه به تاریخ و فرهنگ کهن این سرزمین و اعتقادات مذهبی و دینی آن تازگی ندارد. وجود مؤلفه‌های اسطوره‌ای به خصوص در شعر شاعران معاصر، به دلیل وجود جریان‌های هم‌چون انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و پایداری ملت ایران، علاوه بر غنی کردن اشعار شاعران با محتوای اسطوره‌های ملی و مذهبی، منجر به تجدید حیات دوباره‌ی این اساطیر می‌شود. در این پژوهش به بررسی اسطوره‌شناسانه‌ی اشعار حمید مصدق و قیصر امین‌پور که در قبل و بعد از انقلاب زیسته و شعر سروده‌اند، می‌پردازیم تا تفاوت نگاه‌های آن دو، در کاربرد انواع اساطیر در این دو برهه‌ی زمانی برای ما روشن شود. نگارنده می‌کوشد با توجه به تقسیم‌بندی انواع اساطیر در کتاب اسطوره بیان نمادین، به بررسی اشعار این دو شاعر، با توجه به محورهای اسطوره‌های ریشه و بن، رستاخیزی، نجات‌بخشی، ایزدان و باشندگان متعال، پیامبران و قدیسان، کاهنان و شهریاران، پهلوانان، جانوران و گیاهان، بخت و تقدیر، باززایی و نوشدگی، یاد و فراموشی و اساطیر عصر نوین، بپردازد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد حمید مصدق از شاعران قبل از انقلاب اسلامی است که با توجه به شرایط روز جامعه و زبان نمادین سروده‌هایش، رویکردی گسترده به اساطیر ملی دارد و ندرتاً به اساطیر مذهبی و حتی دیگر ملل (بیگانه) نیز اشاره می‌کند. همچنین قیصر امین‌پور از شاعران متعهد پس از انقلاب است که کاربرد اساطیر مذهبی و دینی در شعرش وفور بیشتری دارد و آن را در شعرش بازتاب داده است.

واژگان کلیدی: ادبیات انقلاب اسلامی، اسطوره، شعر معاصر فارسی، حمید مصدق، قیصر امین‌پور.

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه
مقدمه.....	۹
فصل اول : گفتار اول : کلیات و تعاریف.....	۱۴
(۱) ادبیات معاصر.....	۱۴
(۱-۱) ادبیات قبل از انقلاب اسلامی.....	۱۵
(۲-۱) ادبیات بعد از انقلاب اسلامی.....	۱۹
(۲) تعریف اسطوره.....	۲۴
(۳) اهمیت و فایده‌ی اسطوره.....	۲۷
(۴) پیوند نماد و اسطوره.....	۲۹
(۵) نقد اسطوره‌های.....	۳۰
(۶) اسطوره و ادبیات.....	۳۲
(۷) اسطوره در شعر.....	۳۳
(۸) اسطوره در شعر معاصر.....	۳۴
(۹) انواع اساطیر.....	۳۵
(۱-۹) اساطیر ریشه و بن.....	۳۶
(۲-۹) اساطیر رستاخیزی.....	۳۷
(۳-۹) اساطیر نجات‌بخشی.....	۳۸
(۴-۹) اساطیر ایزدان و باشندگان متعال.....	۳۹
(۵-۹) اساطیر پیامبران و قدیسان.....	۴۰
(۶-۹) اساطیر کاهنان و شهریاران.....	۴۰
(۷-۹) اساطیر باززایی و نوشدگی.....	۴۰
(۸-۹) اساطیر پهلوانان.....	۴۰
(۹-۹) اساطیر جانوران و گیاهان.....	۴۱
(۱۰-۹) اساطیر بخت و تقدیر.....	۴۱
(۱۱-۹) اساطیر یاد و فراموشی.....	۴۱
(۱۲-۹) اساطیر عصر نوین.....	۴۲
گفتار دوم: اشاره‌ای به زندگی و آثار حمید مصدق و قیصر امین‌پور.....	۴۳

۴۳ (۱) گذری بر زندگی و اشعار حمید مصدق
۴۵ (۲) گذری بر زندگی و اشعار قیصر امین پور
۵۲ پی نوشت‌ها
۵۳ فصل دوم: بررسی و تحلیل اسطوره‌شناختی اشعار حمید مصدق و قیصر امین پور
۵۳ پیشگفتار
۵۶ (۱) اساطیر ریشه و بن
۵۶ (۱-۱) اسطوره‌های آفرینش
۵۷ بازتاب اسطوره‌ی آفرینش در اشعار حمید مصدق:
۵۸ (۲-۱) اسطوره‌ی آفرینش از گیاه در اشعار حمید مصدق
۶۱ (۲) اسطوره‌های ریشه و بن در اشعار قیصر امین پور
۶۱ (۱-۲) اسطوره‌ی آفرینش در امین پور
۶۲ (۲-۳) اسطوره‌ی آفرینش از گیاه در قیصر امین پور
۶۳ (۲) اساطیر ایزدان و باشندگان متعال
۶۳ بازتاب خدایان اساطیری، در مجموعه‌ی اشعار حمید مصدق:
۶۳ (۱-۲) اهورا مزدا
۶۶ (۲-۲) میترا
۶۹ (۳-۲) آناهیتا
۷۰ (۴-۲) بازتاب باشندگان متعال، در مجموعه‌ی اشعار حمید مصدق:
۷۰ اسرافیل
۷۱ جبرئیل
۷۱ عزرائیل
۷۲ (۵-۲) دیوان و نیروهای شر
۷۶ (۱-۵-۲) جنبه‌ی اهریمنی باد
۷۸ (۲-۵-۲) جنبه‌ی ویرانگری باد (اساطیر رستاخیزی)
۸۰ (۳) اساطیر ایزدان و باشندگان متعال در اشعار قیصر امین پور
۸۰ (۱-۳) اهورا مزدا
۸۱ (۲-۳) امشاسپندان
۸۲ (۱-۲-۳) اردیبهشت
۸۳ (۳-۳) ایزدان

۸۳ (۱-۳-۳) ایزد باد(وای/ وایو)
۸۴ (۴-۳) دیوان و نیروهای شر
۸۶ (۳) اساطیر پیامبران و قدیسان
۸۶ (۱-۳) پیامبران در اشعار حمید مصدق
۸۶ آدم
۸۹ هابیل و قابیل
۹۰ موسی
۹۲ سلیمان
۹۳ زرتشت
۹۴ (۲-۳) بازتاب اساطیر پیامبران و قدیسان در اشعار قیصر امین پور
۹۴ آدم
۹۶ هابیل و قابیل
۹۷ نوح
۹۸ یوسف
۱۰۰ عیسی
۱۰۱ موسی
۱۰۲ زرتشت
۱۰۲ خضر
۱۰۳ ابراهیم
۱۰۴ اسماعیل
۱۰۶ (۴) اساطیر کاهنان و شهریاران
۱۰۷ (۱-۴) بازتاب اساطیر شهریاران در اشعار حمید مصدق
۱۰۷ اسکندر
۱۰۹ جمشید/جم
۱۱۳ ضحاک
۱۱۳ (۲-۴) بازتاب اساطیر شهریاران و رهبران مذهبی در اشعار قیصر امین پور
۱۱۳ امام حسین(ع)
۱۱۷ امام علی(ع)
۱۱۷ (۵) اساطیر پهلوان یا قهرمان

- ۱۱۸.....(۱-۵) بازتاب اساطیر پهلوانان در اشعار حمید مصدق
- ۱۱۸.....سهراب
- ۱۲۱.....تراژدی فرزندکشی در اساطیر ایران
- ۱۲۱.....رستم و شغاد
- ۱۲۳.....بیژن
- ۱۲۳.....افراسیاب
- ۱۲۵.....اسفندیار
- ۱۲۷.....سیاوش
- ۱۳۱.....آرش
- ۱۳۲.....اسطوره‌ی سیزیف
- ۱۳۴.....بروتوس (قهرمان رومی)
- ۱۳۶.....(۲-۵) شخصیت‌های اسطوره‌ای در اشعار قیصر امین‌پور
- ۱۳۶.....شیرین و فرهاد
- ۱۳۶.....لیلی و مجنون
- ۱۳۷.....سید روح‌الله خمینی
- ۱۳۹.....شهید
- ۱۴۱.....(۶) اساطیر جانوران و گیاهان
- ۱۴۱.....(۱-۶) بازتاب گیاهان و جانوران اسطوره‌ای در اشعار حمید مصدق:
- ۱۴۱.....سیمرغ
- ۱۴۴.....اژدها
- ۱۴۷.....رخش
- ۱۴۸.....گندم و سیب
- ۱۴۸.....(۲-۶) گیاهان و جانوران اسطوره‌ای در اشعار قیصر امین‌پور
- ۱۴۸.....میوه‌ی ممنوعه
- ۱۴۹.....لاله
- ۱۵۰.....سیمرغ/ ققنوس
- ۱۵۱.....(۷) اساطیر یاد و فراموشی
- ۱۵۲.....بازتاب اساطیر یاد و فراموشی در اشعار حمید مصدق
- ۱۵۲.....لیلی و مجنون

۱۵۴ خسرو و شیرین
۱۵۶ (۸) اساطیر بخت و تقدیر
۱۵۸ (۱-۸) بازتاب اساطیر بخت و تقدیر در اشعار حمید مصدق
۱۵۹ (۲-۸) بازتاب اساطیر بخت و تقدیر در اشعار قیصر امین پور
۱۶۰ (۸) اساطیر نجات بخشی
۱۶۱ (۱-۸) اساطیر نجات بخشی در اشعار حمید مصدق:
۱۶۲ کاوه
۱۶۶ (۲-۸) اساطیر نجات بخشی در اشعار قیصر امین پور
۱۷۲ پی نوشتها
۱۷۳ فصل سوم: جمع بندی و نتیجه گیری
۱۷۳ (۱) جمع بندی
۱۷۷ (۲) نتیجه گیری:
۱۸۷ فهرست منابع

مقدمه

شرح مسأله

اسطوره در ادبیات و به‌ویژه شعر جایگاه ویژه‌ای دارد. نگاه شاعران هر دوره به اسطوره و تجلی شاعرانه‌ی اسطوره در اشعارشان، با توجه به دانش شاعر و جامعه‌ی او در حال دگرگونی است. گاه شاعران اسطوره را در سطح و گاه در عمق زبان به کار می‌برند. البته نباید از نظر دور داشت که اسطوره هیچ‌گاه از بین نمی‌رود بلکه فقط شکل عوض می‌کند و همواره جایگاه خود را در شعر و ادبیات حفظ می‌کند.

در ادبیات فارسی به‌ویژه در ادبیات معاصر می‌توان جریان‌های ادبی روز عالم را دید و این مهم از جنبه‌های قابل توجه در ادبیات معاصر است. اسطوره‌شناسی در ادبیات فارسی از موضوعات جدید است که نیازمند بررسی و پژوهش‌های گسترده می‌باشد. به گونه‌ای که بازتاب اسطوره در شعر بزرگان و قله‌های ادب فارسی، چه شاعران نوپرداز، چه شاعران کلاسیک تبیین و تحلیل شود. حمید مصدق و قیصر امین‌پور دو شاعر معاصرند که شعرشان به حافظه جمعی راه پیدا کرده و هر کدام بر ادبیات قبل و بعد از انقلاب اسلامی تأثیرگذار بوده‌اند. اسطوره یکی از اضلاع شعر قیصر امین‌پور و حمید مصدق است و بدون فهم آن دریافت مفهوم کامل اشعار این دو کامل نیست. به ویژه از این جهت که امروزه اسطوره‌پردازی نماد و نمودی جدید یافته است، هدف این رساله، بررسی تحلیلی عناصر اسطوره‌ای در اشعار این دو شاعر است.

پیشینه‌ی تحقیق

پیوند اسطوره و ادبیات در سال‌های گذشته توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است و ضرورت شناخت آن به دلیل رشد روز افزون مطالعات بین رشته‌ای بیش از پیش احساس می‌شود. مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی درباره‌ی جایگاه اسطوره و بازتاب آن در ادبیات فارسی

وجود دارد. بررسی و تبیین اسطوره در نظریه‌ی شعری دو شاعر معاصر فارسی از دو دوره‌ی متفاوت قبل از انقلاب (حمید مصدق) و بعد از انقلاب (قیصر امین پور) می‌تواند کمک شایانی به علاقه‌مندان این حوزه در شناختن فضای فکری هر یک از این شاعران و شناختن رویکرد آن‌ها به عناصر اساطیری نماید. همچنین میزان تأثیرگذاری فضای حاکم بر جامعه در بینش هر یک از این دو شاعر نسبت به اسطوره را روشن می‌کند.

در مورد بازتاب اساطیر و مضامین مورد نظر در اشعار این دو شاعر، کتاب یا رساله‌ای به صورت مستقل نوشته نشده است. اما مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی به معرفی اشعار مصدق و امین پور پرداخته‌اند؛ مقالاتی نظیر تعالی و ایجاز از علی موسوی گرما رودی در رابطه با شعر قیصر امین پور و نقد و تحلیل اندیشه‌های قیصر امین پور درباره‌ی سنت و نوآوری از مصطفی علی پور، ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی امین پور از حسین اسرافیلی که به نماد و نمود ادبیات مقاومت و پایداری در اشعار امین پور پرداخته است. همچنین مقاله‌ای با عنوان بررسی و تحلیل آرایه‌ی نماد در سروده‌های قیصر امین پور توسط علی محمدی و جمیله زارعی و مقاله‌ی بررسی و تحلیل عناصر و مؤلفه‌های اسطوره‌ای در اشعار قیصر امین پور بر مبنای دیدگاه لارنس کوپ، توسط مصطفی گرجی و فاطمه محمدی که به بررسی مجمل اشعار قیصر در محورهای اسطوره‌ی آفرینش، شخصیت و قهرمان، فرجام، نجات پرداخته است.

همچنین در مورد بررسی اشعار حمید نگاهی به منظومه‌ی درفش کاویانی حمید مصدق در تأثیرپذیری از شاهنامه توسط پرستو یمینی و همچنین بررسی با عنوان سیری دیرنگام در دو منظومه که رضا انزابی‌نژاد به تحلیل کوتاهی از دو دفتر شعر "درهگذارباد" و "آبی، خاکستری، سیاه" مصدق پرداخته است. همچنین مقاله‌ی قاعده‌افزایی در شعر حمید مصدق از فاطمه مدرسی و امید یاسینی و باستان‌گرایی در شعر حمید مصدق توسط همین دو نویسنده و مقاله‌ی اسطوره در شعر حمید مصدق توسط عبدالله حسن‌زاده‌ی میرعلی و هاجر حسینی کلابادی که به بررسی مختصر اسطوره در شعر حمید مصدق پرداخته‌اند. اما به طور مفصل رساله‌ای در زمینه‌ی عناصر اسطوره‌ای اشعار ایشان نوشته نشده است. به همین دلیل این پژوهش، می‌تواند ضمن روشن کردن زمینه‌های کاربرد عناصر اساطیری توسط این دو شاعر از دو دوره‌ی متفاوت، به تحقیقات میان‌رشته‌ای و نقد اسطوره‌شناختی آثار ادبی و هنری یاری برساند.

پرسش‌های تحقیق

- ۱- حمید مصدق و قیصر امین‌پور از چه عناصر اسطوره‌ایی در اشعارشان بهره‌گرفته‌اند؟
- ۲- کارکرد عناصر اسطوره‌ای در شعر حمید مصدق و قیصر امین‌پور چگونه است؟
- ۳- چه مضامینی در اشعار حمید مصدق و قیصر امین‌پور با استفاده از عناصر اساطیری بیان شده است؟

فرضیه‌ها

- ۱- عناصر اسطوره‌ای شعر حمید مصدق و قیصر امین‌پور گسترده است و شامل اسطوره‌های ایرانی و اسلامی است.
- ۲- حمید مصدق مستقیماً از عناصر اساطیری بهره می‌گیرد، در حالی که قیصر امین‌پور به بیان تلمیحی و غیر مستقیم‌گرایش بیشتری دارد.
- ۳- عناصر اساطیری به کار گرفته توسط این دو شاعر، مضامینی چون، زندگی و امید... را بازتاب می‌دهد.

کاربردهای تحقیق

این پژوهش می‌تواند به دانشجویان و علاقه‌مندان رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی و پژوهشگران حوزه‌ی اسطوره‌شناسی کمک نماید.

روش و ابزار جمع‌آوری، انجام و تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق

در بررسی عناصر اساطیری اشعار حمید مصدق و قیصر امین‌پور که تحقیقی میان رشته‌ای است و تعامل ادبیات و پژوهش‌های اسطوره‌شناسانه را نشان می‌دهد، می‌توان از روش‌های گوناگون نقد استفاده کرد. نگارنده در این پژوهش با دید اسطوره‌شناختی به تحلیل اشعار این دو شاعر پرداخته است. محقق در این تحقیق به عنوان یک ناقد براساس تقسیم بندی دکتر اسماعیل‌پور در کتاب "اسطوره بیان نمادین" اشعار حمید مصدق و قیصر امین‌پور را مورد بررسی قرار داده است. تقسیم‌بندی در این کتاب شامل مواردی است که در فصل اول ذکر آن خواهد آمد. اما در بررسی‌های انجام شده گاهی برای بررسی و تبیین بعضی اساطیر در تقسیم بندی اسماعیل‌پور، به ناچار بعضی موارد به این تقسیم‌بندی‌ها اضافه یا حذف شده است تا اساطیر به کار گرفته شده در اشعار حمید مصدق و قیصر امین‌پور به طور کامل‌تری بررسی و تحلیل شود. برای نمونه در بررسی

اساطیر کاهنان و شهریاران در اشعار قیصر امین‌پور، عنوان رهبران مذهبی به تقسیم‌بندی دکتر اسماعیل‌پور افزوده شد. بعضی شخصیت‌های اسطوره‌ای در اشعار امین‌پور آورده شده است که در بخش قهرمانان بدان پرداخته‌ایم و عنوان شخصیت‌های اسطوره‌ای را به عنوان آن افزوده‌ایم. و یا در ذیل بحث‌های مرتبط به آن بدان پرداخته‌ایم. ماند داستان هابیل و قابیل که در ذیل بحث آدم بدان پرداخته‌ایم. و یا لیلی و مجنون و خسرو و شیرین که تحت عنوان شخصیت‌های اسطوره‌ای بررسی شده است.

گردآوری این رساله به روش کتابخانه‌ای است. فیش برداری از منابع مختلف به صورت منظم انجام خواهد شد. در بخش کلیات مفاهیمی چون اسطوره و شعر مورد مطالعه قرار خواهند گرفت و سپس با رویکردی توصیفی-تحلیلی اشعار این دو شاعر بررسی خواهد شد. امید است این پژوهش با داشتن کمبودهایی که از توان نویسنده خارج بوده است بتواند خواننده را یاری می‌کند تا نگاهی تازه و دیدی اسطوره‌ای به شعر و ادبیات قبل و بعد از انقلاب داشته است.

جنبه‌ی جدید بودن و نوآوری طرح

از آن جایی که پژوهشی به این صورت انجام نگرفته است این موضوع می‌تواند حرف‌های بسیاری برای گفتن داشته باشد. نوآوری این پژوهش در این است که نگاه ویژه‌ی این دو شاعر را به اسطوره‌های ایرانی و اسلامی با توجه به انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن در تفکر و بینش این دو شاعر تبیین و تحلیل خواهد کرد.

در پایان سپاس بی‌کران پروردگار یکتا را که، به هم‌نشینی رهروان علم و دانش مفتخر نمود و خوشه‌چینی از علم و معرفت را روزی‌ام ساخت. اکنون که به لطف خداوند منان، توفیق تألیف این پایان‌نامه را یافتیم، نه به رسم دانش‌آموختگان که در ابتدای هر پایان‌نامه، به حکم ادب و احترام تقدیرنامه‌ای را به اساتید خود می‌نگارند، بلکه به حکم منقول از ائمه‌ی معصومین (ع) که فرمودند: «مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا»، باور قلبی‌ام را می‌نگارم و با کمال خضوع و بر حسب وظیفه، زحمات تمامی استادان بزرگووارم در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند، که در طول این مقطع از تحصیل، از محضر پرفیض تدریسهشان، بهره‌ها برده‌ام، را بزرگ داشته و برای ایشان طول عمر و دوام توفیقات الهی را مسألت می‌نمایم. به‌ویژه از زحمات بی‌دریغ استادان گرانقدرم در این

پژوهش، آقایان دکتر سید مهدی رحیمی و دکتر اکبر شامیان ساروکلایی که در پیشبرد هر چه بهتر رساله‌ام، از هیچ کمکی دریغ نمودند و بدون راهنمایی‌ها و مشاوره‌های ایشان، برطرف ساختن ابهامات این پایان‌نامه، برایم بسیار مشکل می‌نمود؛ صمیمانه سپاسگزارم.

همچنین از استادان فرزانه و دلسوز؛ آقایان دکتر ابراهیم محمدی و دکتر حامد نوروزی، که زحمت داوری و نقد این رساله را متقبل شدند که بدون نگاه‌های نافذ ایشان، این پژوهش به نتیجه مطلوب نمی‌رسید، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

فصل اول

گفتار اول: کلیات و تعاریف

(۱) ادبیات معاصر

شعر محصول تاریخ عصر شاعر است. برای شناخت هر اثر هنری باید زمینه‌هایی که در به وجود آمدن آن اثر نقش داشته یا سبب به وجود آمدن آن شده است را بررسی کنیم «زادگاه شعر، سرزمین ذهن و زبان شاعر است و بدیهی است که در اتفاق شعر، شرایط همین سرزمین بر خلقت یک شعر حکومت می‌کند و شعر با چرخش در نوع نگاه، رنگ فلسفه و طعم تفکر مؤلف خود، متولد می‌شود و در مدار حیات خود، مخاطبان خاص خود را بر اساس همان خاستگاه پیدا می‌کند و فراز و فرود یک پدیده‌ی هنری را در خود احساس می‌نماید. شعر محصول زمان‌اندیشی و نتیجه‌ی فرسایش اندیشه‌ی مؤلف، در چرخه‌ی زمانی آفرینش اثر است و در این سیر، پدیده‌ی ایجادشده می‌تواند به‌عنوان سندی از چگونگی تاریخی عصر شاعر محسوب گردد و برای کشف مختصات اجتماعی هر زمانی، مورد بررسی و تحقیق قرارگیرد. برای شناخت هر اثر هنری و درک ظرفیت‌ها و توان‌مندی‌های ذاتی و اکتسابی آن و تلاش در جهت ترویج و تقویت این اسباب، فراهم نمودن زمینه‌هایی پیرامون آن اثر ضرورت دارد» (به‌درون، ۱۳۸۸: ۹). بر این اساس با رسوخ به بطن اشعار شاعران، می‌توانیم میزان تأثیر تاریخ عصرشان را در فرهنگ و ادبیات و شعرشان ببینیم و از رهگذر آن به اندیشه‌ی مردم و روحیه‌ی جمعی مخاطبان پی ببریم.

با توجه به این که «هر جنبش شعری و ادبی نو، آن‌گاه پدید می‌آید که پیش‌تر، انقلاب مؤثری در زندگی انسان‌ها و مناسبات اجتماعی به وقوع پیوسته باشد و از دریچه‌ی این تفکر، که هر برهم‌کنشی در روش و منش حیات جامعه، لاجرم در آیین‌های هنر متعهد، ضبط و منعکس می‌شود. بر این‌باور که هر تغییر و تحول ژرف اجتماعی ناگزیر در فراگرد خود، به تبدیل و تکمیل هدف‌مند شعر و ادبیات منتهی تواند شد» (خرایچنکو، ۱۳۶۴: ۸۱). سخن خرایچنکو نشان می‌دهد که

اتفاقات و حوادث مهمی که در طول تاریخ یک کشور رخ داده‌اند، در ایجاد اشعار شاعران تأثیرگذار بوده‌اند و با خواندن این اشعار متوجه درد دل مردم و شرایط حاکم بر جامعه خواهیم شد.

۱-۱) ادبیات قبل از انقلاب اسلامی

رسالت تاریخی شعر، از نخستین جرعه‌های کهن‌ترین شعرها آغاز گردیده‌است و اکنون همچنان در مسیر نمایش واقعیت‌ها، با جریان‌های سیاسی و اجتماعی همراه و هم‌قدم است. شاعر با تأثر از فضای پیرامون خود، از دریچه‌ی نگاه خویش، به سرودن شعر می‌پردازد.

انقلاب اسلامی ایران و حوادث قبل از آن که منجر به این انقلاب گردید، از مهم‌ترین حوادثی بود که بر ادبیات این سرزمین و به طور اخص بر اشعار شاعران معاصر تأثیرات فراوان گذاشت. درک موقعیت زمانی انقلاب، و تغییراتی که در زندگی و فکر و روحیه‌ی مردم ایران داد، از آن‌جا اهمیت پیدا می‌کند که در سال‌های پیش از انقلاب و پیرامون آن، « فضای شعر پس از عبور از مسیر ناهموار ستیز ادبیات کلاسیک و نو و نیز تعدد تئوری‌های متعدد فرمی و محتوایی موجود، فضایی کاملاً مشوش داشت و شاعران آن روزگار با ابزار خلاقیت‌های ذاتی و اکتسابی خود در زمینه‌های شکلی و محتوایی، سعی در تثبیت و گسترش بستر موجود داشتند » (به‌دروند، ۱۳۸۸: ۱۳).

«در حقیقت، تحقق واقعی این کشف زمانی روی خواهد داد، که علاوه بر اشاره به پیشینه‌ی رفتاری شعر و ویژگی‌های خاص آن، جریان‌ات اجتماعی، تحولات جدی آن عصر و نیز جلوه‌های شاخص مدنی آن عصر را مورد بررسی قراردهیم » (همان). لذا کشف جوهره و درک ماهیت شعر انقلاب، بدون مطالعه‌ی دقیق و استخراج عناصر به وجود آورنده‌ی آن و سیر تحصیل این فرایند، امکان‌پذیر نیست.

اگر به تاریخ قبل از انقلاب اسلامی ایران مراجعه کنیم می‌توانیم ادعا کنیم که « نطفه‌ی ادبیات نوگرایی فارسی به دنبال انقلاب مشروطیت به‌جا بسته شد ؛ زیرا تجدّد واقعی در ادبیات معلول تحول در زندگی و طرز فکر مردم است و تا جامعه‌ی شیوه‌ی زندگی و فکرش تحول نپذیرد، به طور مصنوعی نمی‌توان چیزی را دگرگون کرد » (همان).

«شعر مشروطیت به شدت سیاسی بود و در هر قالبی که فرو می‌رفت بر چهره‌ی حاکمیت پنجه می‌کشید. این شعر از یک سو متأثر از دستاوردهای رنسانس غرب بود و از سوی دیگر حتی

مرزهای انقلاب فرانسه را پشت سر می‌نهاد [...] و انقلاب رهایی‌بخش طبقه‌ی کارگر در شمال ایران، نرد عشق می‌زد و از سوسیالیسم دفاع می‌کرد» (رهنما، ۱۳۸۵: ۲۷-۲۸) بر این اساس جنبش مشروطیت با اندیشه‌ی آزادی‌خواهی و رهایی از استبداد و انحطاط، به موازات تأثیر بر تمام عرصه‌های حیات اجتماعی ملت ایران، شعر و ادبیات را به خدمت این اندیشه فراخواند.

هرچند که این جنبش در فکر و اندیشه‌ی مردم به سرعت نفوذ کرد و در اذهان عموم تأثیر گذاشت، اما دگرگونی که در ادبیات ایجاد کرد به مرور و به تدریج بود. «انقلاب مشروطیت، حیات فکری و اجتماعی و فرهنگی ایران را دگرگون کرد ولی تحوّل در ادب فارسی، به تدریج صورت گرفت. یعنی به همان نسبت که تغییرات مزبور به مرور ریشه دوانید، باید ثمرات این تحول را در آثار بعدی ادبی جست نه در اوان مشروطیت» (قراگوزلو، ۱۳۸۴: ۲۲).

نمونه‌ی عینی تغییر چهره‌ی سریع جامعه در ابعاد اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی که در اذهان مردم تأثیر گذاشت این بود که با شروع مدرنیته‌ی رضاخانی «اصرار حکومت بر ایجاد ساختارهای زیربنایی و زمینه‌سازی تسهیلات لازم این جریان مانند بانک‌ها، صنایع سبک، راه آهن و دیگر ضروریات آن روز بود» (بهداروند، ۱۳۸۸: ۱۴). بدین ترتیب روند تغییر چهره‌ی اقتصادی و اجتماعی و به ویژه فرهنگی، سرعت بیشتری پیدا کرد و کشور سنت‌گرای وقت، بدون زمینه‌سازی تدریجی و اصلاح ساختارهای زمینه‌ای خود، در میدان صنعتی شدن وارد گردید.

از نظر فرهنگی و اجتماعی، اجرای برنامه‌های نوسازی و دنیای صنعتی در دوره‌ی مدرنیته، دو نتیجه‌ی متضاد در پی داشت؛ یا برخی خود را به سرعت با آن وفق دادند و برخی نیز با آن به مقابله برخاستند و دو رویکرد متفاوت پیش گرفتند: «عده‌ای که از امکانات و مزایای این نوسازی برخوردار شدند، هر چه بیشتر به سوی غرب روی آوردند و در غربی‌شدن راه افراط پیمودند، هر آن‌چه را سنتی به حساب می‌آمد، خرافاتی و مسخره دانسته و به کناری نهادند. عده‌ای دیگر که اکثریت افراد جامعه را تشکیل می‌دادند، در قبال این غرب‌زدگی جبهه گرفتند و هر چه بیشتر، به سنت‌ها و موارث ملی و فرهنگی روی آوردند» (همان).

بی‌گمان رابطه‌ی مسائل اجتماعی و ادبیات، رابطه‌ای دو سویه است. هم مسائل سیاسی و اجتماعی دوره‌ی مشروطه در ادبیات تأثیر جدی گذاشت و هم ادبیات در مشروطه.

ادبیات برای بسترسازی و فراهم آوردن زمینه‌های روشن‌فکری و گسترش شعارهای مشروطه، نقش اساسی ایفا کرد. ادبیاتی که در دوران مشروطه به وجود آمد بیشتر هدف آشناکردن اذهان مردم، به حقوق خودشان را در پیش گرفته بود.

«مردم به خاطر حقارت‌هایی که در زمان حکومت قاجار متحمل شده بودند و خود را از بیان-کردن مسائلشان ناتوان می‌دیدند، نوشتن را تنها راهی یافتند که می‌توانست تا حدی دردهایشان را التیام بخشد. اگر چه بیشتر این ارزش‌گذاری و خودباوری در مردم در سال‌های پیش از انقلاب مشروطیت به ویژه در ۲۵ سال آخر حکومت ناصرالدین‌شاه از زمان اقدامات امیرکبیر در ایران به وجود آمده بود؛ شهامت، تدبیر، بی‌ریایی و فعالیت‌های شدید امیرکبیر در جهت اصلاح اقتصاد و شکوفاکردن اقتصاد ملی از یک سو و انجام اقدامات فرهنگی از قبیل تأسیس دارالفنون، اعزام محصل و دانشجو به خارج، تأسیس روزنامه‌ی وقایع اتفاقیه و... از سوی دیگر، به استقلال و حاکمیت سیاسی منجر شد» (درویش، ۱۳۸۷: ۵۶).

مجموعه‌ی این شرایط جامعه‌ی ایران را در قرن نوزدهم دچار دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کرد و همین تحولات بسترهای مناسب رشد آگاهی سیاسی و ملی را فراهم آورد. دگرگونی در ساختار ادبیات هم، در همین دوران آغاز شد.

پیرو همین اقدامات، در دوران نهضت مشروطه شاهدیم که در نوشته‌ها اعم از نظم و نثر، سبک ساده‌نویسی پدیدار شد. همین ساده‌نویسی باعث شد که مردم نزدیکی بیشتری بین خودشان و نویسندگان حس کنند و فاصله‌ی بین آن‌ها کما بیش از بین رفت. نویسندگان هم هر چه بیشتر در محتوای نوشته‌های آتشین خود مبارزات و حوادث سیاسی را می‌گنجاندند. در خلال مبارزات مشروطه‌خواهی، ادبیات ایران، به صورت یک ادبیات سیاسی و پرخاشگر علاوه بر قالب کتاب یا دیوان، در قالب روزنامه و مجله نیز متبلور شد و روزنامه‌نگاری آیینی تمام‌نمای ادبی آن دوره گردید. در همین زمان نزدیک به ۹۰ نشریه‌ی متنوع که بیشترشان دارای معیارهای عالی ادبی بودند، در ایران پا گرفتند (همان).

آن‌چه که در شعر و ادبیات انقلاب مهم است و آن را برجسته می‌کند، مضمون و درون‌مایه‌های سیاسی آن است که در تمام وجوه ادبیات اعم از کتاب و روزنامه و داستان و شعر و... جلوه کرد «مهم‌ترین شاخص و مؤلفه‌ی بارز شعر و ادبیات و به طور کلی هنر مشروطه، درون‌مایه‌ی معنی‌دار

سیاسی آن است. این ویژگی که خصلت عصر بیداری ایرانیان است، سر فصل و نقطه‌ی آغاز برای شعر و ادبیات معاصر به کار می‌رود. جنبش ضد استبدادی ایرانیان که اقشار مختلف مردم را به چالش علیه پسمانده‌های قاجاری و دیکتاتوری جدید پهلوی فراخوانده بود، از چنان وسعت و گستردگی عمیقی برخوردار بود که شعر و ادبیات و موسیقی و روزنامه‌نگاری و وعظ و خطابه را نیز به یاری گرفت. ادبیات مشروطه، از آن‌جاکه به طبقات و گروه‌های اجتماعی رشد یابنده و رزم‌جو، تعلق داشت و حربه‌ای بود که می‌باید به وسیله‌ی این گروه‌ها علیه طبقات ممتاز به کار می‌رفت، در تمام شکل‌های خود از هنری، فلسفی و ژورنالیستی همه‌جا، سیاسی بود « (روزبه، ۱۳۷۷: ۲۴).

حال و هوایی که با تحولات نهضت مشروطه وارد اجتماع و به تبع آن وارد ادبیات عصر مشروطه گردید، نگاه جامعه و متفکران و مردم آن عصر را دست‌خوش تغییراتی کرده بود. روحیه‌ی ستم‌ستیزی آزادی و عدالت که از جمله‌ی آرمان‌های این نهضت به شمار می‌رود در نگاه شاعران به واقعه‌ی عاشورا تأثیر فراوان داشته‌است.

محمدعلی مجاهدی تأثیرات این نهضت را در شعر عاشورایی چنین بیان می‌کند: «شعر عاشورایی از دو روی متأثر از شعر مشروطیت است. هم از نظر ساختاری و هم از جهت غنای محتوایی، از نظر، محتوایی رویکرد جدی به مفاهیم ارزشی تا حد زیادی، مرهون عنایت شعرای این دوره به مقوله‌هایی مختلف ارزشی از قبیل ستم‌ستیزی، آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی است» (مجاهدی، ۱۳۷۶: ۱۲۷).

«در بهمن ۱۳۴۱ ه.ش حکومت پهلوی، با مشورت و صلاح‌دید آمریکا، پاره‌ای از اصلاحات اجتماعی و اقتصادی تحت عنوان «انقلاب سفید» را به اجرا گذاشت؛ که این امر موجب مخالفت مردم مسلمان تحت امر امام خمینی (ره) گردید و قیام ۱۵ خرداد شکل گرفت و آیت الله خمینی پس از این حرکت انقلابی به خارج از کشور تبعید شد و نیروهای مذهبی و معتقدان به حقانیت مبارزات وی، زیر فشار قرار گرفتند. تشکیلات ساواک و نیروهای امنیتی و انتظامی در این ایام به شدت تقویت شد، اما با این حال هم از جانب نیروهای مذهبی و هم از طرف گروه‌های روشن‌فکر و تحصیل‌کرده‌ی متمایل به غرب، مخالفت با حکومت پهلوی گسترش یافت» (یاحقی، ۱۳۸۱: ۱۰۴).

لذا از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ ادبیات معاصر ایران، از نظر تاریخی و شعری دهه چهل یعنی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ ه.ش، است.

«سال ۱۳۵۶ ه.ش سال بروز نشانه‌های فضای باز سیاسی بود، [در همین سال بود که، به مرور کتاب‌های توقیف شده، اجازه‌ی انتشار می‌گیرند و حجم کتاب در بازار، رو به افزایش می‌رود ولی چیزی که در رژیم‌های خودکامه، جنایت محسوب می‌شود، نه توقیف کتاب و کتاب نویس، بلکه به انفعال کشاندن اهل هنر و نابودی انگیزه‌های خلق هنر است؛ که این موضوع از توقیف کتاب و اهل کتاب به وضوح آشکار می‌شود. سال ۱۳۵۷ سال انفجار بود. سال ثمردادن کینه بود. سالی که ملتی، بیش از ساختن با تمام قوا به کندن و دور افکندن مشغول بود و بخشی از شعر نوی فارسی، که سراسر دهه‌ی پنجاه را برای تأمین چنین منظوری به روزمرگی و دنباله‌روی از جریانات سیاسی روز افتاده بود، با موفقیت سیاسی پی در پی روشنفکران (و توده‌ی مردم) با تلقی اتمام سرافرازانه‌ی وظیفه اش، عملاً بی مصرف و عاطل، از اعتبار ویژه‌ی انقلابی ساقط شد. سال ۱۳۵۷ سال آزادی مطلق مطبوعات، آزادی زندانیان سیاسی، تشکیل احزاب و سازمان‌های متعدد، اعتصابات، تظاهرات، مذاکره‌های سیاسی، تعاونی‌ها، تحصن، راه‌پیمایی‌ها، افشاگری‌ها، میتینگ‌های سیاسی، آتش‌زدن‌ها، و پیروزی‌ها بود. شعر و ادبیات ما از چیزی سخن می‌گفت که اکنون تمام و کمال در خیابان‌ها جریان داشت» (دوستی، ۱۳۸۴: ۸۷).

«بنابراین و به طور خلاصه، حوادث تاریخی مهم (قیام ۱۵ خرداد، انقلاب سفید شاه، رویکرد مبارزان به نبرد مسلحانه، واقعه‌ی سیاهکل، حوادث منجر به انقلاب)، شرایط فرهنگی و عقیدتی- اقتصادی (انقلاب سفید، شبه مدرنیسم، و واگرایی فرهنگی) و نشریات و روزنامه‌ها، از عواملی هستند که بر جریان‌های شعری این دوره تأثیرگذار بودند» (زرقانی، ۱۳۸۸: ۵۴۶). این جریانات و فضای اختناق آلود متأثر از شرایط سیاسی و اجتماعی، نویسندگان و شاعران را برآن داشت تا با توجه به نیاز زمان و زبان دل مردم و دردهای نهفته در سینه‌شان شعر بسرایند و کتاب‌های خود را به نگارش درآورند.

۲-۱) ادبیات بعد از انقلاب اسلامی

ادبیات، نمود اندیشه‌ها و احساسات و عواطف شاعر از رویدادها و حوادثی است که در دنیای پیرامون وی رخ می‌دهد و خود آن را تجربه و احساس می‌کند و با ذوق هنری خود و در قالب الفاظ رنگین و کلمات آهنگین به تصویر می‌کشد تا خواننده‌ی شعرش را، در فضای فکری و عاطفی خود قرار دهد. بی‌گمان «هرگاه ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در جامعه‌ای تغییر یابد؛ در

نوع نگرش و عواطف شاعر نیز تغییر و تحولی پدید می‌آید. این امر مسیر تخیل و زبان و عاطفه‌ی شاعر را در عرصه‌ی شعر و ادب نیز دگرگون می‌سازد؛ زیرا، دید و بینش شاعر از رویدادها و جریان حاکم بر فضای جامعه در مضامین و درون‌مایه‌های شعری که پیوندی ناگسستنی با روحيات و خلیقیات شاعر دارد، بسیار تأثیرگذار است» (به‌درون، ۱۳۸۸: ۱۰).

تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که از اوان انقلاب اسلامی در ایران روی داد؛ نه تنها سیمای سیاسی و ساختارهای اجتماعی را به کلی دگرگون ساخت، بلکه در زمینه‌ی شعر، ادب و هنر نیز تغییراتی فراوان ایجاد نمود. اندیشه‌ها و مضامین و تصویرهای تازه‌ای در ادبیات این دوره پدید آمد که بیشتر از تحولات سیاسی و اجتماعی الهام یافته بود.

«کمتر سروده‌ای را در دوران انقلاب اسلامی می‌توان یافت که به طور مستقیم یا غیرمستقیم، رگه‌ها و نشانه‌هایی از رخدادها و وقایع زمان و عواطف ناشی از آن را در برنداشته باشد. به‌ویژه اشعار گویندگانی که خود در حوادث اجتماعی و حرکت‌های سیاسی حضوری فعال داشتند. این عوامل بیرونی بود که احساسات و ادراکات مناسب و هماهنگ با خود را در ذهن و اندیشه‌ی آن‌ها برمی‌انگیخت. انقلاب و دگرگونی حاکمیت، از جمله مهم‌ترین واقعیت‌هایی است که ساختارهای سیاسی، اجتماعی و هنری را در هم می‌پیچد و با اصرار تا حد ممکن، تغییراتی اساسی را در ساختار وقت خواستار است. شعر چند دهه‌ی اخیر ایران درست در چنین شرایطی مجال بروز می‌یابد و شاعران در چنین شرایطی، دوران گذار خود را از شور و شوق‌های اولیه‌ی انقلابی شروع می‌نمایند و در ادامه، رویکرد معقولانه‌ی خود را به نمایش می‌گذارند» (همان).

یکی از مشخصات شعر نو فارسی، توجه به مسائل سیاسی و دردهای اجتماعی است، بنا به گفته‌ی دکتر شمیسا «در ادبیات قدیم ما هم توجه به اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی دیده می‌شود، اما هرگز صراحت و شمول و گستردگی ادبیات جدید را ندارد» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۶۹).

«سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ ه.ش سال‌های دگرگونی، آشفتگی و شکوفایی شعر امروز ایران بود و شعر، که احساس می‌شد از مردم فاصله گرفته است، گامی بلند در جهت مردمی شدن برداشت. از میان شاعران، در رسیدن به این هدف، برخی گزارش‌گری را پیشه گرفتند و مقام شاعر را به عنوان راهبر اجتماع بدل به دنباله‌روی احساسات و حادثات کردند و خود در موج نیرومند تاریخ در- غلتیدند. اما دیگرانی که تجربه‌ی شناختی طولانی‌تر و قوی‌تر در شعر داشتند، انعکاس زمان حال را